



شناسه	قانون - مقررات	تاریخ تهیه گزارش	۱۴۰۴/۱۱/۰۱
عنوان موضوع	- بحث و بررسی درخصوص سیاست‌های جدید ارزی دولت و تبعات آن بر تولید		
مرجع طرح موضوع	کمیسیون صنایع و کمیسیون تجارت اتاق بازرگانیر سمنان		
شرح موضوع	سیاست ارزی جدید، صرفاً یک جابه‌جایی فنی در نظام قیمت‌گذاری ارز نیست؛ این سیاست، نشانه‌ای از اراده برای اصلاح یکی از حساس‌ترین نقاط حکمرانی اقتصادی کشور است. حرکت به‌سوی نرخ ارز شناور مدیریت‌شده، در ادبیات علم اقتصاد، زمانی معنا پیدا می‌کند که به شفافیت، کاهش رانت و بهبود کارایی تخصیص منابع بینجامد. شفافیت ارزی اما یک «نتیجه خودکار» نیست. نرخ ارز شناور، تنها زمانی سیگنال صحیح به اقتصاد می‌دهد که قواعد آن روشن، قابل پیش‌بینی و پایدار باشد. هرگونه ابهام در دامنه مداخله، زمان‌بندی تغییرات یا استثنای‌های اجرایی، می‌تواند حتی سیاست درست را به منبع نااطمینانی تبدیل کند. تجربه کشورهایی که اصلاحات ارزی موفق داشته‌اند نشان می‌دهد شفافیت، بیش از آنکه محصول آزادسازی باشد، نتیجه قاعده‌مندی است. قاعده‌مندی یعنی بازار بداند سیاست‌گذار چه می‌کند، چرا می‌کند و تا کجا مداخله خواهد کرد. در غیاب این قاعده، انتظارات جای واقعیت را می‌گیرد و هزینه اصلاح افزایش می‌یابد. سیاست ارزی جدید، اگر با اطلاع‌رسانی شفاف، ثبات مقررات و پرهیز از تصمیم‌های مقطعی همراه شود، می‌تواند نقطه آغاز بازسازی اعتماد باشد. شفافیت زمانی شکل می‌گیرد که فعال اقتصادی بتواند آینده نزدیک را ببیند و بر اساس آن تصمیم بگیرد؛ نه آنکه هر روز با تفسیر تازه‌ای از یک سیاست مواجه شود. اولین جایی که اثر سیاست ارزی لمس می‌شود، کف بنگاه است؛ جایی که تولید نه با شعار، بلکه با جریان نقدی، نهاده و زمان کار می‌کند. تغییر مبنای نرخ ارز، مستقیماً بهای تمام‌شده تولید، سرمایه در گردش و امکان برنامه‌ریزی بنگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اقتصاد ایران امروز، اقتصادی با بنگاه‌های شکننده از نظر نقدینگی است. بسیاری از واحدهای تولیدی با حداقل سرمایه در گردش فعالیت می‌کنند و کوچک‌ترین وقفه در تأمین مالی، می‌تواند کل عملیات را مختل کند. در چنین شرایطی، سیاست ارزی اگر بدون ابزارهای مکمل اجرا شود، حتی بنگاه‌های سالم را نیز در معرض کاهش تولید یا توقف موقت قرار می‌دهد. تاب‌آوری تولید، شرط موفقیت سیاست ارزی است. سیاستی که به تضعیف ظرفیت موجود منجر شود، حتی اگر در ظاهر اصلاحی باشد، در عمل هزینه‌های بلندمدت‌تری به اقتصاد تحمیل می‌کند. تجربه نشان می‌دهد احیای ظرفیت از دست‌رفته، بسیار پرهزینه‌تر از صیانت از ظرفیت موجود است. از منظر حکمرانی اقتصادی، سیاست ارزی باید هم‌زمان با ابزارهای حمایتی و جبرانی هدفمند اجرا شود؛ ابزارهایی که جریان نقدی بنگاه را در دوره گذار حفظ کنند. بدون این ملاحظه، اصلاح ارزی به جای تقویت تولید، به عامل فرسایش آن تبدیل می‌شود. از سوی دیگر در راستای رفع مشکل نقدینگی واحدهای تولیدی بسته حمایت از صنایع در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ توسط هیات محترم وزیران ابلاغ شد لیکن تاکنون دستورالعملی برای آن تدوین نشده است.		



- افزایش هزینه های تولید و مشکلات تامین نقدینگی

پیرو تصمیم دولت محترم مبنی بر اصلاح روش پرداخت یارانه و انتقال آن از ابتدای زنجیره تولید به انتها و مصرف کننده نهایی و حذف محل تامین ارز تالار اول و سوق دادن همه تولید کنندگان و متقاضیان ارز به تالار دوم، بر اساس بررسی بعمل آمده و اظهارات برخی از فعالان اقتصادی، این جابجایی محل تامین ارز از یک تالار به تالار دیگر صرفاً یک جابجایی ساده نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد. این تصمیم بخش زیادی از فعالان اقتصادی واقعی کشور را با چالش جدی و بدهکاری های غیر قابل جبران مواجه نموده است. این تصمیم بخش تولید که تا کنون بدلیل مشکل تامین نقدینگی با ظرفیت غیر اقتصادی صرفاً جهت سر پا نگهداشتن واحد تولیدی و حفظ آبرو و شان حرفه ای خود جهادگونه در حال فعالیت بود را با چالش جدی تر مواجه نموده است. در نگاه اول این گونه به نظر می رسد که صرفاً نرخ ارز از یک عددی به عدد دیگر تغییر یافته است که این خود اثرات منفی خود را بر بخش تولید خواهد گذاشت لکن تبعات جانبی این تصمیم مخرب تر و چالش برانگیزتر از اصل موضوع می باشد. به عنوان مثال واحدهای تولیدی که در گذشته از تسهیلات ارزی استفاده نموده و در حال بازپرداخت می باشند یک شبه با حجم زیاد بدهی انباشت مواجه شدند که امکان پرداخت برای آنها وجود ندارد. این تصمیم دولت محترم بر سایر بخش های مرتبط با تولید نیز اثر مستقیم دارد که می توان به موضوعات گمرکی، مابه التفاوت نرخ ارز، هزینه های حمل و نقل، دستمزد و ... نیز اشاره نمود.

ایرادات و مشکلات
مطروحه

تصمیم دولت محترم هزینه های تولید را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده است و نیاز به نقدینگی بخش تولید به شدت افزایش یافته است که با توان فعلی بانکها و حدود اختیارات آنها قابل تامین نمی باشد و در صورت عدم تامین بموقع آن منجر به از دست رفتن بخش عظیمی از ظرفیت های تولیدی و اشتغال های ایجاد شده خواهد شد که تبعات آن نگران کننده است.

- ناکارآمدی بسته های حمایتی (بسته حمایت از صنایع موضوع مصوبه هیات وزیران :

تجربه نشان داده است بسته های حمایتی که از سوی دولت محترم در شرایط خاص و برای بخش تولید در نظر گرفته می شود غالباً بسته های موثر و راهگشا نبوده است و به همین دلیل فعالان اقتصادی بخش خصوصی به این قبیل بسته ها اعتماد و امیدی ندارند

عدم شفافیت بسته های حمایتی، ارائه تسهیلات صرفاً به مشتریان باسابقه بانک و با گردش بالا و عدم پوشش فراگیر تولید را با بحران مواجه نموده است. براساس اظهارات بانکها حتی بازپرداخت ها برخی تسهیلات به ارزی (یورو) تغییر یافته که ریسک و فشار مضاعف ایجاد می کند.

- عدم وجود ضمانت اجرایی درخصوص تثبیت نرخ ارز در تالار دوم:

برای واحدهای تولیدی که با انعقاد قرارداد اقدام به فروش محصولات خود می نمایند تثبیت قیمت بسیار حائز اهمیت و حیاتی می باشد و امکان برنامه ریزی را برای آنها فراهم می نماید. اکنون این نگرانی وجود دارد که چه تضمینی وجود دارد



مجدداً نرخ ارز در تالار دوم با افزایش غیر قابل انتظار مواجه نشود و چه مرجعی تضمین کننده این ثبات است؟ این نگرانی را باید برطرف نمود تا تولید کننده بتواند با خاطری آسوده به تولید که وظیفه اصلی او می باشد بپردازد. - عدم نظرخواهی از بخش خصوصی در تدوین مصوبه مصوبه سیاست‌های جدید ارزی و بسته‌های حمایتی مرتبط، بدون اخذ نظر مؤثر و پیشینی از بخش خصوصی و تشکلهای تولیدی تدوین شده و همین امر موجب شده آثار واقعی آن بر نقدینگی، بدهی ارزی و توان اجرایی بنگاه‌ها به درستی برآورد نشود و در عمل با بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی مواجه گردد. - کمبود سقف اختیارات بانک‌های عامل استان در پرداخت تسهیلات سقف اختیارات تفویض شده به بانک‌های عامل استان، متناسب با افزایش نیاز نقدینگی و شرایط جدید ارزی نیست و بسیاری از پرونده‌ها ناگزیر برای اخذ مجوز به تهران ارجاع می‌شود که این امر موجب طولانی شدن فرآیند، تشدید بروکراسی و وقفه در تأمین به موقع منابع واحدهای تولیدی شده است. - عدم مشخص بودن سهم بانک‌های عامل استان‌ها در پرداخت تسهیلات با وجود حذف سقف کلی، تاکنون سهم دقیق هر استان و بانک عامل به صورت شفاف ابلاغ نشده و همین ابهام باعث سردرگمی بانک‌ها، بالاتر رفتن واحدهای تولیدی و تأخیر در پرداخت تسهیلات؛ به ویژه در استان‌های صنعتی که نیاز آن‌ها بیش از میانگین کشوری است، شده است. - عدم در نظر گرفتن تعدیل ارزش‌ها براساس بند ۷ دستورالعمل برای قراردادهای بخش خصوصی با وجود پیش‌بینی تعدیل ارزش‌ها در بند (۷) دستورالعمل، این حکم در قراردادهای بخش خصوصی به طور شفاف اعمال نشده و واحدهایی که قراردادهای فروش یا تأمین خود را پیش از تغییر نرخ ارز منعقد کرده‌اند، ناچار به پذیرش کامل مابه‌التفاوت ارزی از محل منابع داخلی شده‌اند که فشار مالی سنگینی بر آن‌ها وارد می‌کند. - عدم مشخص بودن وضعیت ایفای تعهدات ارزی ترخیص‌های درصدی در خصوص واحدهایی که ترخیص درصدی انجام داده و بخشی یا تمام کالا را با نرخ‌های قبلی وارد، توزیع یا حتی به فروش رسانده‌اند، تکلیف نحوه ایفای تعهدات ارزی و شمول یا عدم شمول مابه‌التفاوت به صورت شفاف مشخص نشده و این ابهام، ریسک مالی و بالاتر رفتن واحدهای تولیدی برای بنگاه‌ها ایجاد کرده است.	
براساس صورتجلسه پیوست	جمع‌بندی جلسه کارگروه تخصصی (کارشناسی)
- افزایش سطح اختیارات بانک‌های عامل استانها در پرداخت تسهیلات متناسب با تغییرات فعلی - احصا نظرات بخش خصوصی در تدوین آئین نامه‌ها و بخشنامه‌های صادره در این خصوص - در نظر گرفتن تعدیل ارزش‌ها برای قراردادهای بخش خصوصی به استناد بند ۷ دستورالعمل	پیشنهادهای



- پیشنهاد می‌گردد برش استانی تسهیلات قابل پرداخت به واحدهای مشمول براساس دستورالعمل در دستور کار قرار گیرد. - پیشنهاد می‌گردد نحوه تامین ارز، نرخ ارز و ایفای تعهدات ارزی برای مشمولان ترخیص درصدی شفاف شود.	
مصوبه ۱۷۵۳۳۰ هیات وزیران مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ درخصوص بسته حمایت صنایع	فهرست مستندات و مدارک پشتوانه